

(گرالنیک و کروم ۱۹۸۵، گرالنیک و وینهاوس
۱۹۸۴، اشترن ۱۹۸۴).

در این تحقیق ۱۵ کودک در سنین پیش دبستانی دارای عقب ماندگی ذهنی خفیف که تحت آموزشهای بهسازی خاص در کودکستان قرار داشتند (کودکانی با تأخیر رشد) با گروه همتای خود (بدون عقب ماندگی ذهنی) طی دو جلسه بازی تشکل یافته مورد مشاهده قرار گرفتند. کودکانی که تأخیر در رشد داشتند معمولاً زمان بیشتری را در تنهایی بسر می بردند و هنگامی هم که شروع به بازی می کردند، معمولاً بازبهایشان کمتر حالت اجتماعی داشت. این گروه از نظر رفتارهای ارتباطی که موجب تداوم یا خاتمه بازی می شده است تفاوتی از خود نشان ندادند. با این حال کودکان دارای تأخیر در رشد علایمی از رفتاری واپسگرایانه، عواطف منفی در بازی و مشکلات دیگری نظیر شکست در ورود به بازی از خود نشان دادند. کودکان دارای تأخیر در رشد در این آزمون نسبت به کودکان نرمال نمرات بسیار کمی بدست آوردند و کاملاً از هم مجزا شدند. خانواده های این دو گروه از نظر آمار انسانی و خانوادگی تفاوت چندانی با هم نداشتند ۳۰٪ آنها تحصیلات قبولی داشتند، ۶۳٪ از آنها یک یا چند رشته دانشگاهی را گذرانیده بودند و بجز دو خانواده، بقیه خانواده ها دارای اعضای بود که با هم زندگی می کردند و ۷۰٪ آنها حداقل یک فرزند دیگر نیز داشتند در مجموع کودکان با توجه به اطلاعات بدست آمده از نظر مشکلات رفتاری با هم کاملاً تفاوت داشتند. با این حال کودکان و خانواده ایشان در ابعاد قابل قبولی انتخاب شده بودند.



مهارتهای اجتماعی در کودکان سنین پیش دبستانی دارای تأخیر در رشد

مؤلفین:

کلر، بی. کپ

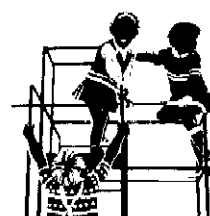
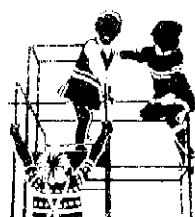
بروس، ال. بیکر

کانلین، دبلیو. براون

ترجمه:

رضا برادری

در تحقیق حاضر ما رفتارهای اجتماعی را در دو گروه همتا از کودکان دارای تأخیر در رشد و کودکان نرمال مورد بررسی قرار دادیم. سایر محققان با مدارکی ثابت کرده اند کودکانی که دارای تأخیر در رشد هستند در مقایسه با کودکان نرمال در تعامل اجتماعی مشکل بیشتری دارند. از این کودکان کمتر خواسته می شود که در فعالیتهای اجتماعی شرکت کنند و آنها نیز کمتر به این تقاضاها پاسخ مثبت می دهند و در نهایت می توان گفت که آنها تعامل اجتماعی کمی دارند



روش:

بازی گروهی اصلی (برای مطالعه وسیع‌تر) شامل یک کودک عقب‌مانده و دو کودک نرمال بود. نسبت ۱ به ۲، به این دلیل انتخاب شده بود که این

کودکانی که دارای تأخیر در رشد هستند در مقایسه با کودکان نرمال در تعامل اجتماعی مشکل بیشتری دارند.

نسبت معمولاً در کلاسهای بهسازی وجود داشت (ترنیول و بلاشر و دیکسون ۱۹۸۱) گروههای بازی دو جانبه با فاصله یک هفته با یکدیگر ملاقات می‌کردند. هر جلسه ۱۲ دقیقه طول می‌کشید و شامل دو مرحله بازی کردن بود. مرحله اول: شامل بازی* با اسباب‌بازی می‌شد که فقط بازی خاصی را ایجاب می‌کردند. در مقابل مرحله دوم: شامل بازی با اسباب‌بازی‌هایی بود که می‌شد با آن‌ها هر بازی که کودک مایل است انجام دهد. اسباب‌بازی‌های مرحله دوم مبین میزان علائق کودکان بودند. جریان تمام جلسات به وسیله ویدئو ضبط گردید.

در ۶ دقیقه اول بازی بچه‌ها دو سبد بزرگ از وسایل در اختیار داشتند (وسایلی شامل بلوکه‌های چوبی و یک مجموعه مزرعه شامل انسانها، حیوانات و ساختمان‌ها). در انتهای ۶ دقیقه آزمون‌گر بطرف پتو رفته و ۳ سبد اسباب‌بازی جدید را معرفی می‌کرد که شامل یک سبد مجموعه دکتر بازی، سبد دوم شامل کامیون‌ها و ماشین‌های کوچک و سبد سوم شامل وسایل آشپزخانه و لوازم منزل بود. آزمون‌گر با کودکان هیچ‌گونه تعاملی نداشت ولی اگر یکی از بچه‌ها با او ارتباط برقرار می‌کرد باید او را به محدوده پتو برمی‌گردانید.

نتایج

- کودک: تعامل اجتماعی

کودکانی که تأخیر رشد داشتند، معمولاً زمان طولانی‌تر را در حالت بازی نکردن به سر می‌بردند (به ترتیب میانگین ۲/۷۳، انحراف استاندارد = ۲/۵۸ برای کودکان دارای تأخیر و ۰/۹۳ با انحراف استاندارد ۱/۴۹ برای بچه‌های بهنجار) و $t(28) = 2/34$ است و $P < 0/05$ خواهد بود. وجود چنین اختلافاتی مابین دو گروه، ما را بر آن داشت که فقط دوره‌های زمانی دارای رفتار رمزگذاری شده را مورد مقایسه قرار دهیم. با مقایسه دو گروه می‌بینیم که گروه بچه‌های دارای تأخیر از نظر میزان فعالیتهای اجتماعی و رفتار

*- بازی: یکی از چهار نوع سطح بازی مشخص که در طی ۲ دقیقه انجام شود.

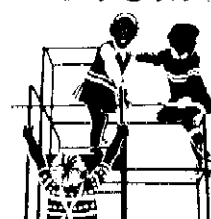
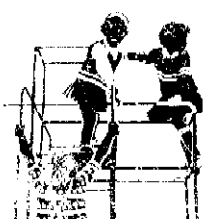
بازی نکردن: دوره‌هایی که در آن کودک هیچ عملی انجام نمی‌دهد.

بازیهای کنشی: حرکات تکراری با اشیا، یا قرار دادن اشیا به‌طوری که معمولاً با هم جفت می‌شوند مانند فتجان و نعلبکی.

بازیهای ساختاری: استفاده و دستکاری اسباب‌بازیها برای ساختن یک چیز جدید (مانند ساختن خانه با استفاده از بلوکه) یا یک موقعیت (مانند استفاده از فتجان و نعلبکی)

بازیهای وانمودکردن: شامل یک سناریوی معین جهت بازی (مانند سناریوی خولیدن، مامان‌بازی و دکتربازی) که در طی آن عملی واقع می‌شود یا از اشیا، بطور تخیلی استفاده می‌شود

این طبقه‌بندی‌ها بر اساس کارهای سچلانسکی (۱۹۶۸) و کراولیک و گروه (۱۹۸۷) می‌باشد. در طی بازی یک سری رفتارهایی ظاهر می‌شود که موجب تداوم ارتباط با دیگران و یا قطع ارتباط می‌گردد. اینها به سه دسته رمز دست‌بندی شده‌اند که شامل رفتارهای بقای، رفتارهای انفکاک و رفتارهای عاطفی - واپس‌گرایانه هستند.



موازی آن‌ها در حدود ۶۷٪ می‌باشد، در حالیکه این میزان در کودکان بهنجار چیزی بیش از ۸۸٪ است. میزان فعالیت در انزوای کودک بهنجار حدود یک سوم (۱/۳) میزان فعالیت کودکان

یافته‌های این تحقیق ثابت کرد که کودکان دارای عقب‌ماندگی از سطح متوسط تا خفیف مشکلاتی در تعامل اجتماعی با دیگران دارند

دارای تاخیر می‌باشد. کودکان دارای تاخیر در رشد معمولاً بازی‌هایی را انجام می‌دهند که اجراء نقش در این بازی‌ها نیازی به وجود سایرین نداشت و می‌توانند آنرا به تنهایی انجام داد. با این حال کودکان دارای تاخیر رشد با چنین بازی‌های ساده و نقش‌های ابتدایی توانستند تقریباً در صدی مشابه کودکان بهنجار بدست آورند.

نمرات بازی گروهی در کودکان دارای تاخیر بطور قابل ملاحظه‌ای از نمرات کودکان بهنجار کمتر بود به ترتیب میانگین = $16/16$ ، انحراف استاندارد = 89 و $25/9$ میانگین و انحراف استاندارد = $5/6$ (۲۸) = $0.013/46$ ، $p < *$

با دقت در نمرات خام مربوط به رفتار انفکاک‌ی این واقعیت مشخص شد که گروه‌ها با توجه به نوع رفتار انفکاک‌ی بکار گرفته شده توسط کودک با یکدیگر تباین و اختلاف دارند. این اختلاف بوسیله تحلیل مجذور در یک جدول 2×2 (گروه‌ها × بودن یا نبودن رفتار) مورد بررسی قرار گرفت. متغیر رفتار انفکاک‌ی کامل، برای ۵۳٪ از بچه‌های دارای تاخیر در رشد ثبت شده بود

ولی این متغیر در کودکان نرمال دیده نمی‌شد. $8/35 = (1)$ از طرف دیگر دو متغیر طرد کردن و نادیده گرفتن در ۳۳٪ از بچه‌های دارای تاخیر

« سیستم رمزگذاری

اجتماع: شامل یکی از سه نوع طبقه‌بندی است، که از آن در جهت شناسایی خصوصیات تعامل کودک استفاده می‌شود و مدتها آن نیابستی کمتر از ۲ دقیقه باشد.

انزوا: یعنی شرکت دادن کودک در بازی توسط سایر بچه‌ها بدون هر گونه ارتباط بیانی یا شنوایی از طرف آن کودک.

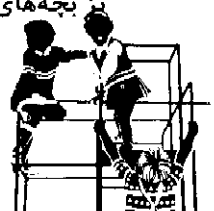
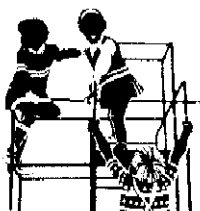
توازی: هنگامی است که یک کودک پشت کودک دیگر بنشیند (الغلب برای اینکه از وسایل بازی، مانند وی استفاده کند) ولی در اسباب‌بازی‌ها با یکدیگر شریک نیستند و ارتباط بصورت توازی هنگامی است که مطابق وضعیت گفته شده کودکان ارتباط کلامی یا غیر کلامی با هم داشته باشند.

طبقه‌بندی اجتماعی که در این تحقیق از آن استفاده شد بر اساس مطالعات پارتن (۱۹۳۳) و گرانیک و گروه دوم (۱۹۸۷) می‌باشد استفاده از زمان‌بندی ۲ دقیقه‌ای جهت این طبقه‌بندی به دلیل آشکار شدن ارزش آن در مطالعات پیشین است. زیرا در طی این مدت کودک کاملاً بر رفتار خود تسلط پیدا کرده و رمزگذاری دارای روایی می‌شود (کراکووب ۱۹۸۳)

رفتارهای ابقایی، رفتارهای انفکاک‌ی و رفتارهای عاطفی- واپس‌گرانه

دو گروه از نظر رفتارهای ابقایی و رفتارهای انفکاک‌ی تفاوت چندانی باهم نداشتند.

این وضعیت در رمز مربوط به رفتارهای توصیفی نیز دیده می‌شود با این حال وقتی که میزان مهارت رفتاری مورد بررسی قرار می‌گیرد، می‌بینیم که کودکان دارای تاخیر به مراتب از کودکان بهنجار عقب‌تر هستند (به ترتیب میانگین = $47/4$ و انحراف استاندارد = 36 میانگین = $64/5$ و انحراف استاندارد = 36)، $P < 0.01$ ، دو گروه از نظر رفتارهای انفکاک‌ی با یکدیگر مشابه بودند و این نتایج، بسیاری از تفاوت‌های گروهی را پنهان کرده بود.



وجود داشت (۱ مورد طرد کردن به ۵ مورد نادیده گرفتن در حالیکه همین متغیرها برای ۸۵٪ از کودکان بهنجار ثبت گردید. $P < 0.05$ و این یافته‌ها نشان داد که کودکان دارای تاخیر در رشد مشکلات بسیار زیادی در برقراری ارتباط با کودکان بهنجار دارند و بسیاری از کودکان رفتارهای انفکاک‌کننده از خودشان بروز دادند، میزان این رفتارها در طی ۲ روز کلاً ۲۸ مورد بود.

احساسات: هر مورد از احساسات مثبت و منفی که در طی یک روز از کودکان دیده شد ثبت گردید. *

نتایج در مورد بروز عواطف در این کودکان نشان می‌دهد که:

عواطف مثبت به میزان قابل ملاحظه‌ای از عواطف منفی بیشتر است و در طی آزمایش هیچ موردی از عصبانیت با گریه کردن دیده نشد. فقط ۵۳٪ از کودکان دارای تاخیر در رشد می‌خندیدند یا به دیگران لبخند می‌زدند در حالی که این جنسیت در بچه‌های بهنجار ۹۳٪ بود $P < 0.05$ و $\chi^2(1) = 4/26$ شاید این اختلاف به خاطر این باشد که کودکان عقب مانده معمولاً بازیهای انفرادی انجام می‌دهند و این موقعیت محدود شده باعث عدم تعامل عاطفی کودک می‌شود. البته باید توجه داشت که در این تحقیق کلیه کودکان در محیطی قرار داشتند که می‌توانستند تعامل عاطفی داشته باشند.

تجزیه و تحلیل اطلاعات نشان می‌دهد که این رفتارها در کودکان عقب مانده بیشتر از کودکان بهنجار دیده می‌شود. (به ترتیب میانگین = $6/2$ و انحراف استاندارد = 769 و میانگین = $2/1$ و

انحراف استاندارد = $2/4$)، $1/94 = (28) t$ و $P = 0.06$.

همچنین والدین کودکان عقب مانده در مورد آموزش مهارت‌های اجتماعی نسبت به والدین بچه‌های بهنجار مسئولیت پذیری کمتری داشتند (به ترتیب میانگین = 2 و $2/6$ ، $P < 0.05$).

در مقیاس مهارت‌های اجتماعی معلمین / والدین

رفتارهای ابقایی و رفتارهای انفکاک‌کننده: رفتارهایی ارتباطی هستند که موجب تداوم بازی می‌شوند و به ازای هر ۲ دقیقه وجود آن‌ها یک نمره به فرد داده می‌شود.

توصیف: این رهز برای هر گونه بیان کلامی که کودک از آن برای بازی و فعالیت‌های مربوط به آن استفاده می‌کند بکاربرده می‌شود. تکمیل: رهزی است که برای توصیف هر گونه توسعه کلامی یا غیر کلامی رفتار و کلام سایر بچه‌ها یا تکرار و تغییر فعالیت‌های آن‌ها توسط کودک بکاربرده می‌شود.

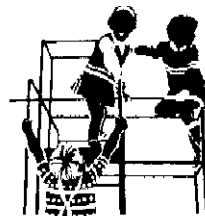
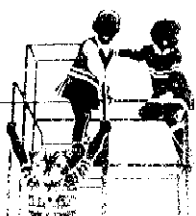
رفتارهای انفکاک‌کننده: به سه نوع طبقه‌بندی می‌شوند: ۱- نادیده گرفتن (مدم توجه نسبت به پذیرش دیگران)

۲- طرد (هنگامی که کودک به دیگری بگوید مایل نیست با او بازی کند) ۳- رفتارهای انفکاک‌کننده کامل (هنگامی که کودک اسباب بازی‌هایش را از دیگری می‌گیرد یا اسباب‌بازی‌ها را بهم می‌ریزد و یا پرخاشگر است در این طبقه قرار می‌گیرد رفتارهای واپس‌گرانه و عواطف

عواطف مثبت: شامل؛ زمزمه کردن یا آواز خواندن، خندیدن، لبخند زدن به سایر بچه‌ها و لبخند زدن به بزرگسالان می‌باشد

عواطف منفی: شامل: گریه کردن، اظهار ناراضگی و حمله به دیگران رفتارهای واپس‌گرانه: هنگامی مشخص می‌شود که کودک می‌گوید:

من نمی‌توانم یا نمی‌خواهم بازی کنم. رمزهای مربوط به بازی کردن با خود یا بازیهای یکنواخت با وسایل شامل: بازی کردن با بدن یا لباس یا با انگشتان (بصورت بازی‌های خود انگیزه یا انگشتان)، بازیهای بی‌صدا، بازی‌هایی به صورت ساییدن، کوبیدن و برت کردن می‌باشد.



می‌توان گفت که مربیان این بچه‌ها نیز تفاوت‌هایی را بین این گروه گزارش کردند (میانگین = $1/57$ و انحراف استاندارد = $0/64$ برای عقب‌ماندگان و میانگین = $2/6$ و انحراف استاندارد = $0/48$ برای کودکان بهنجار).

با توجه به آیت‌های مربوط به ارتباطات در مقیاس مهارت‌های اجتماعی، این مسأله استنباط شد که والدین بچه‌های عقب‌مانده معمولاً سطح نازل‌تری از اظهار وجود را در کودکانشان گزارش می‌کنند.

کنش‌های شناختی که میزان تعامل آن با توجه به سن برآورد می‌گردد بطور قابل توجهی با بازی‌های گروهی در ارتباط هستند ولی این ارتباط فقط در کودکان عقب‌مانده دیده می‌شود. در مقابل، انجام رفتارهای تکمیلی یکی از شاخص‌ترین موارد همبستگی بین دو گروه است. چنین یافته‌هایی در رابطه با ارتباطات، صرفاً در کودکان بدون تأخیر در رشد تأیید شده‌اند. بطوریکه والدین و مربیان در گزارش‌های خود در مورد تأثیر مهارت‌های کلامی در بازی بیان داشتند، که همبستگی قابل توجهی میان بازی‌های گروهی و مهارت‌های کلامی

کودکان وجود دارد. موقعیت‌های آموزشی و یادگیری در منزل هیچگونه تأثیری بر بازی‌های گروهی کودکان عقب‌مانده ندارد. در عوض بازی‌های گروهی کودکان بهنجار به میزان زیادی تحت تأثیر آموزش‌های خانواده قرار دارد. در صورتیکه آموزش‌های غیر مستقیم بطور غیر منتظره‌ای دارای همبستگی منفی با بازی‌های گروهی می‌باشد. این نکته قابل ذکر است که خانواده‌های کودکان عقب‌مانده در افکار و نظرات خود اهمیت بیشتری به آموزش مهارت‌های

اجتماعی می‌دادند.

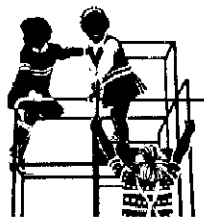
بحث

یافته‌های این تحقیق ثابت کرد که کودکان دارای عقب‌ماندگی از سطح متوسط تا خفیف مشکلاتی در تعامل اجتماعی با دیگران دارند و این مطلب کاملاً با نظرات مطرح شده قبلی در زمینه مشکلات اجتماعی چنین کودکانی همخوانی دارد. با این وجود این وضعیت در مورد تمام این کودکان صدق نمی‌کرد. هنگامی که بحث صرفاً در مورد طول مدت تعامل اجتماعی باشد می‌بینیم که کودکان عقب‌مانده مدت زمان بیشتری را بطور انفرادی بازی می‌کنند ولی این زمان در کودکان بهنجار کمتر است. این بازی کردن تنها، نشان می‌دهد که کودک عقب‌مانده موقعیت‌هایی جهت یادگیری جگ‌ونگی تعامل اجتماعی با دیگران را نداشته است.

❖ داشتن رفتارهای واپسگرانه در

کودکان پیش‌ازدبستان چیز عجیبی نیست

مهم است که بدانیم علیرغم مطالب پیشین در طی این تحقیق، متوجه شدیم هنگامی که کودکان پیش‌دبستانی با عقب‌ماندگی متوسط تا خفیف با کودکان بهنجار مواجه می‌شوند از نظر بازی کردن دارای رفتارهایی مشابه هستند. بچه‌های عقب‌مانده قادرند رفتارهایی را از خود نشان بدهند که موجب حفظ ارتباط با دیگران می‌شود و عواطف منفی ابراز شده توسط ایشان نیز تفاوت چندانی با گروه کودکان بهنجار نداشت بنابراین می‌بینیم که بطور کلی کودکان عقب‌مانده قادر



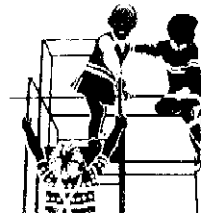
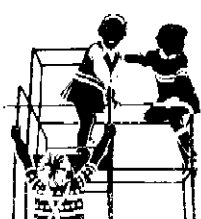
هستند در رفتارهای اجتماعی خود تا این حد تکامل داشته باشند. با مقایسه بلوغ رفتاری در اوایل ۳ سالگی در دو گروه کودکان متوجه شدیم که کودکان دارای تأخیر در رشد علائمی از ناتوانی یا عدم تمایل به بازی با سایرین را از خود نشان می‌دهند در این کودکان رفتارهای انفکاک‌کننده و نیز رفتارهای واپسگرانه به میزان زیادی دیده می‌شود، ولی چنین حالتی در گروه کودکان بهنجار وجود نداشت. در ضمن بازی ممکن است این کودکان دست از فعالیت برداشته و بطور نامناسبی شروع به کوبیدن یک اسباب‌بازی کنند یا به وسیله پرت کردن اشیاء و یا در دهان کردن آن نشان دهند که مشغولیت دیگری ندارند. البته داشتن رفتارهای واپسگرانه در کودکان پیش از دبستان چیز عجیبی نیست، ولی اگر این رفتارها به میزانی با عواطف مثبت همراه باشند، به عنوان علائم منفی ارزیابی خواهند شد. اطلاعات ثبت شده نشان می‌دهند که کودکان دارای تأخیر در رشد کمتر به سایر بچه‌ها لبخند می‌زدند و آن احساس راحتی و خوشی را در رفتارهایشان نداشتند. اصولاً بچه‌ها در سنین پیش از دبستان رفتاری شاد و پر سروصدا دارند در صورتیکه بچه‌های دارای تأخیر در رشد کمتر این حالات عاطفی را از خود نشان می‌دهند البته کاملاً ثابت نشده است، ولی با این حال ممکن است که عواطف منفی در کودکان دارای تأخیر در رشد ناشی از نادیده گرفته شدن ایشان از طرف کودکان بهنجار باشد. حجم تفاوت بین دو گروه به میزان زیادی تحت تأثیر روش تحقیق بکار گرفته شده قرار داشت. استفاده از سن تقویمی بجای سن تحولی جهت انتخاب بچه‌ها

در این تحقیق موجب افزایش تفاوت بین دو گروه کودکان گردید. زیرا بچه‌های عقب‌مانده از نظر رشدی غالباً عقب‌تر از بچه‌های بهنجار هستند و به همین خاطر بازیهای آنها از نظر تحولی ضعیف‌تر خواهد بود (گرالنیک و گروم ۱۹۸۵). بنابراین اگر روش انتخاب بچه‌ها عوض می‌شد احتمالاً از میزان اختلافات بین گروه‌ها کاسته می‌گردید. از طرف دیگر ما کودکان را از کلاسهای کودکانستانی انتخاب کرده و گروه‌هایی چند نفره از آنها تشکیل دادیم. فیلد و همکارانش اظهار داشتند که بچه‌های عقب‌مانده در گروه‌های مرکب با بچه‌های بهنجار معمولاً از رفتارهای اجتماعی (نظیر همکاری، همدلی و دوستی، خودانگیزی بیشتری را نشان می‌دهند تا اینکه تمام گروه را بچه‌های عقب‌مانده تشکیل دهد) فیلد ۱۹۸۰، فیلد و روزمن، دستوفانو

✳️ میزان مهارت کودکان عقب‌مانده در فعالیتهای اجتماعی بیشتر تحت تأثیر سن تحولی آنها قرار داشته‌است.

و کوادلر ۱۹۸۱) در این تحقیق ما متوجه شدیم بچه‌هایی که دارای عقب‌ماندگی خفیف تا متوسط هستند معمولاً در مقایسه با بچه‌های دارای عقب‌ماندگی شدیدتر اختلال رفتار اجتماعی کمتری را از خود نشان می‌دهند.

عواملی چند در ایجاد رفتارهای مطلوب اجتماعی در کودکان بهنجار دخالت دارند. بازیهای گروهی کودکان بهنجار به دلیل بالا بودن سطح توانایی‌های ارتباطی ایشان معمولاً تکامل بیشتری



یافته‌هایی به دست آمده در مورد عوامل مؤثر در مهارتهای اجتماعی را مورد تایید قرار دهد (کارسورا ۱۹۸۵).

هاخذ: مجله امریکایی عقب‌ماندگی ذهنی، جلد ۹۶ - شماره ۴

صفحات ۳۳۶ تا ۳۵۷، ۱۹۹۲



دارد. این تکامل بیشتر بر اثر وجود: الف- مهارت در اجرای نقشها ب- امکان استفاده از تواناییهای ارتباطی در فعالیتهای اجتماعی ج- نداشتن رفتارهای وایسگرانه و د- تاکید والدین به ارتقاء سطح مهارتهای اجتماعی، این کودکان بوجود آمده است. یکی از موارد جالب این تحقیق تأثیر نمرات ۲ کودک بر همبستگی منفی بدست آمده میان آموزش غیر مستقیم در منزل و بازی گروهی کودکان بود. این دو کودک نمرات بالایی در بازیهای گروهی بدست آورده بودند، ولی در مصاحبه با والدین آنها مشخص شد که برای آنها موقعیتهای اندکی جهت آموزش غیرمستقیم مهارتهای ارتباطی در منزل وجود داشته است. این تحقیق نشان داد که میزان مهارت کودکان عقب‌مانده در فعالیتهای اجتماعی بیشتر تحت تأثیر سن تحولی آنها قرار داشته است و با میزان آموزش خانواده همبستگی ندارد.

در ابتدا نوعی دلسردی نسبت به دخالت خانواده بر آموزش مهارتهای اجتماعی کودک به وجود آمد. زیرا مشاهده کردیم که آموزش خانواده هیچ‌گونه تأثیری بر عملکرد کودک نداشته است. با این حال کاملاً این امکان وجود دارد که آموزش خانواده توانسته تأثیری بر رفتار اجتماعی کودک بگذارد ولی این تأثیر در زیر سایه خصوصیات کودک پنهان مانده است و این مساله خود می‌تواند موضوع تحقیق جدیدی باشد.

این مطالعه دارای نمونه‌ای کوچک و کاملاً دقیق بود و یافته‌های حاصل از آن زمینه‌هایی ارزشمند برای مطالعات بیشتر می‌باشد. یک مطالعه کاملاً وسیعتر با نمونه‌ای قابل اطمینان می‌تواند

